

شناخت جنبه‌های اقتصادی سیاست‌های کاهش فقر

دکتر محمود متوسلی*

دکتر سعید صمدی**

چکیده

در جهان امروز با توجه به تأکیدی که نسبت به افکار اقتصادی می‌شود، و مقایسه آن با سال‌های نیمه اول قرن حاضر، برای اکثر دولت‌ها، کاهش فقر امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. به همین لحاظ مطالعات گسترده‌ای در این زمینه صورت گرفته و برنامه‌های کاهش فقر به دفعات در کشورهای مختلف به اجرا گذاشته شده است. اجرای سیاست‌های کاهش فقر، بدون تعیین گستره و ابعاد آن، موفقیت چندانی نخواهد داشت، و اصولاً یکی از مسایل مهم در تدوین برنامه‌های کاهش فقر، اطلاع از گستردگی فقر حاکم بر جامعه است. مناسب‌ترین معیار جهت برآورد تقریبی فقر جوامع، برآورد خط فقر و تخمین درصد جمعیت فقیر می‌باشد. پس از تعیین گستره فقر، با بصیرت بیشتری می‌توان به تصریح اهداف و گزینش روش‌های عملی اجرای برنامه‌های کاهش فقر اقدام نمود. پس از آن، برآورد امکانات مالی برای جامه عمل پوشاندن به برنامه‌های کاهش فقر حیاتی خواهد بود. در این تحقیق تلاش بر آنست که جنبه‌های اقتصادی سیاست کاهش فقر، مورد بررسی قرار گیرد. برای انجام این بررسی، تخمین گستره فقر، مشخص نمودن اهداف مورد نظر در اجرای سیاست کاهش فقر و نهایتاً برآورد امکانات مالی لازم برای دستیابی به اهداف اشاره شده ضروری خواهد بود.

* عضو هیأت علمی و دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

** دکترای اقتصاد از دانشگاه تهران

کلید واژه‌ها

خط فقر / درصد جمعیت فقیر / سیاست‌های کاهش فقر / روش‌های عملی کاهش فقر / دقت هدف‌گیری سیاست‌های کاهش فقر / برآورد امکانات مالی / خانوارهای شهری

۱- مقدمه

یکی از مسایل اساسی و تعیین کننده در موفقیت راهکارهای کاهش فقر، طراحی نامناسب است که مایه شکست اجرای سیاست می‌شود.

به نظر می‌رسد که توفیق در این امر منوط به برداشتن حداقل ۳ گام اساسی باشد:

۱- برآورد شدت و گستره فقر در جامعه

۲- تصریح اهداف در برنامه‌های کاهش فقر

۳- تخمین امکانات لازم جهت تحقق اهداف اشاره شده در برنامه‌های کاهش فقر

گام نخست یعنی برآورد شدت و گستره فقر در جامعه، بهترین روش استفاده از مفهوم خط فقر و سپس تخمین درصد افراد واقع در زیر خط فقر است. در دومین گام یعنی روشن ساختن اهداف در برنامه‌های کاهش فقر، چند نکته بایستی مشخص شود از جمله: گروه‌های درآمدی که باید مورد حمایت قرار گیرند، چگونگی و دقت هدف‌گیری در سیاست‌های کاهش فقر، و تعیین روش‌های عملی برای اجرای سیاست‌های کاهش فقر. نهایتاً در سومین گام که از مراحل حساس برنامه است، امکانات مالی مورد نیاز برای اجرای سیاست‌های کاهش فقر برآورد می‌گردد. حساسیت این مرحله به دلیل گونه‌گونی روش‌ها و آثار متفاوت مترتب بر آن است. ضمناً ماهیت اقتصادی جوامع به گونه‌ای است که دقت هدف‌گیری در اجرای سیاست کاهش فقر کامل نمی‌باشد، یعنی بخشی از امکانات صرف شده برای اجرای سیاست، نصیب طبقات غیر فقیر جامعه می‌گردد یا بخشی از امکانات مورد نیاز برای اجرای سیاست‌ها توسط طبقات فقیر تأمین مالی می‌شود. این عدم دقت در هدف‌گیری باعث

افزایش بار مالی اجرای سیاست‌های کاهش فقر خواهد شد که حتماً باید مورد توجه طراحان برنامه‌های کاهش فقر قرار گیرد.

در ادامه و با توجه به طبقه بندی اشاره شده، این تحقیق در بخشهای زیر تنظیم گردیده است:

در بخش دوم برآورد فقر در جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد، در بخش سوم اهداف برنامه‌های کاهش فقر تصریح می‌شوند، بخش چهارم به تخمین امکانات مالی سیاست‌های کاهش فقر خواهد پرداخت و نهایتاً در آخرین بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحث ارائه خواهد شد.

۲ - مفهوم فقر، خط فقر و برآورد درصد جمعیت فقیر

اگر نگاهی بر نوشتارهای مختلف در زمینه فقر بیندازیم، بی‌درنگ در می‌یابیم که توافق عام روی تعریف خاصی از فقر وجود ندارد. آنچه که تقریباً در همان نگاه نخست متوجه می‌شویم، تعدادی تعاریف کلی است؛ به عنوان مثال اغلب بیان می‌شود که فقیر کسی است که در سطح قابل قبولی از زندگی مناسب نباشد. تقریباً همه افرادی که درباره فقر تحقیق می‌کنند، به یقین با این تعریف موافق هستند، اما روشی که در آن «زندگی قابل قبول و مناسب» در واقعیات نمود می‌یابد، موضوعی است که با توجه به نظام‌های ارزشی، اجتماعی و فرهنگی بسیار متنوع بوده بعضاً دور از هم قرار می‌گیرند.

یکی از ابزارهای اساسی در تعیین وسعت فقر، مشخص نمودن خط فقر می‌باشد، که فقرا را از غیر فقیران جدا می‌سازد. برای تعیین خط فقر دو روش اساسی مطرح است، یکی استفاده از ملاکهای مختلف (مادی) زیستی و دیگری تعریف حداقل درآمد. همچنین ترکیبی از این دو روش را نیز می‌توان مورد استفاده قرار داد.

الف - ملاکهای زیستی: در این روش معیارهایی به عنوان «مقادیر مرزی» برای شاخص‌هایی معین (نظیر تغذیه، بهداشت، مسکن، آب آشامیدنی) به منظور جداسازی فقرا از غیر فقیران تعریف می‌گردد. اشکال اساسی این روش چگونگی ترکیب خطوط

مختلف فقر است. آیا فردی که از نظر مسکن زیر خط فقر، اما از نظر سایر نیازهای اساسی بالای خط فقر است، فقیر محسوب می‌شود؟ به عبارت دیگر، برای دستیابی به یک حکم کلی در مورد فقر چه وزن‌هایی باید به نیازهای اساسی مختلف داد؟

ب - هلاکهای درآمندی : روش دیگر، تعیین مقدار درآمدی است که حداقل شرایط اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی را در بر می‌گیرد. در این روش برای تعیین سطح حداقل درآمد، یک سبد فرضی شامل کالاها و خدمات ضروری برای حفظ حیات در نظر گرفته می‌شود و سپس پول لازم برای خرید این سبد به عنوان حداقل درآمد مشخص می‌شود.

در این گزارش تحقیقی خط فقر با استفاده از روش دوم، یعنی استفاده از ملاک درآمد برآورد می‌گردد، اما به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات قابل اطمینان در مورد درآمد خانوارها، از اطلاعات مربوط به مخارج که از دقت بالاتری برخوردار است استفاده می‌شود.

همچنین به منظور دوری جستن از اعمال سلیقه در تعریف سبد فرضی برای استخراج حداقل درآمد، از آمار مصرف خانوارها و از روش سیستم مخارج خطی^۱ استفاده شده است. در این روش تمرکز اصلی محاسبات حول و حوش تعیین تابع تقاضای خانوارها قرار گرفته است. خط فقر نیز با استفاده از پارامترهای تخمین زده شده در تابع تقاضا استخراج خواهد شد. مراحل انجام کار به منظور دستیابی به مقدار کمی خط فقر عبارتند از: انتخاب تابع مطلوبیت، تعیین تابع تقاضا و برآورد پارامترهای تابع تقاضا.

الف - انتخاب تابع مطلوبیت : با در نظر گرفتن فروض اصلی رفتار مصرف کننده، باید تابع مطلوبیتی مطابق با هدف مورد نظر انتخاب گردد. مناسب‌ترین تابع مطلوبیت برای استخراج رابطه تقاضا و سپس حصول خط فقر، تابع مطلوبیت استون - گری^۲

1- Linear Expenditure System (LES)

2 - R.C. Geary , 1950 and J.R.N. Stone ,1954

باید تابع مطلوبیتی مطابق با هدف مورد نظر انتخاب گردد. مناسب‌ترین تابع مطلوبیت برای استخراج رابطه تقاضا و سپس حصول خط فقر، تابع مطلوبیت استون - گری^۱ می‌باشد. بیان ریاضی این تابع به صورت زیر است:

$$U = \sum_{i=1}^n \beta_i \text{Log}(q_i - \gamma_i)$$

قیود این تابع عبارتست از:

$$q_i - \gamma_i > 0 \qquad 0 < \beta_i < 1 \qquad \sum_{i=1}^n \beta_i = 1$$

در این رابطه U شاخص مطلوبیت، q_i مقدار مصرف کالای i ام، β_i سهم نهایی مخارج و γ_i مصرف کالای ضروری i ام تعبیر می‌شود و $\sum_{i=1}^n p_i \gamma_i$ حداقل هزینه‌ای است که خانوار جهت حصول کالاهای ضروری و حیاتی مجبور به پرداخت آن بوده است و به تعبیر مناسبتر، همان خط فقر خواهد بود.

ب - تعیین تابع تقاضا : با توجه به فروض اساسی رفتار مصرف‌کننده، یعنی حداکثر سازی مطلوبیت با توجه به درآمد و سطح قیمت‌ها، تابع تقاضا برای کالای i ام از طریق بهینه‌یابی مقید به صورت زیر بدست می‌آید (مراحل تفصیلی در پیوست ۱ ارائه شده است).

$$q_i = \gamma_i + \frac{\beta_i}{p_i} (m - \sum_{i=1}^n p_i \gamma_i)$$

در رابطه بالا m عبارتست از کل مخارج مصرفی خانوار و q_i تقاضای مصرف‌کننده برای کالای i ام می‌باشد که تابع مستقیمی از درآمد و تابع معکوسی از سطح قیمت‌ها است. اگر طرفین رابطه بالا در p_i ضرب گردد، تابع تقاضا برحسب ارزش‌های پولی بدست می‌آید.

n

ج- برآورد پارامترهای تابع تقاضا: مسأله اساسی پس از حصول تابع تقاضا، برآورد پارامترهای آن (β_1 و γ_1) براساس مقادیر داده شده تقاضا، قیمت‌ها و درآمد می‌باشد. توابع تقاضای استخراج شده در سیستم مخارج خطی (برای n کالا) از لحاظ پارامترها غیرخطی هستند و در عین حال جملات خطای آنها با یکدیگر همخطی کامل دارند، لذا نمی‌توان کلیه معادلات را در داخل یک سیستم برآورد نمود. به همین دلیل پارامترهای الگو پس از حذف یک معادله با استفاده از روش‌هایی مانند حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3SLS)^۱، حداکثر درستنمایی با اطلاعات کامل (FIML)^۲ و رگرسیونهای به ظاهر غیر مرتبط تکراری (ISUR)^۳ برآورد می‌گردند. در این تحقیق به منظور برآورد پارامترها از روش ISUR استفاده شده است (بحث تفصیلی در پیوست ۲).

۲-۱- تخمین خط فقر

به منظور تخمین خط فقر، ابتدا لازم است دوره زمانی و منطقه مورد بررسی (از لحاظ شهری یا روستایی بودن خانوارها) مشخص گردد، پس از آن گروه کالاهای موجود در سبد مصرفی خانوارها تعیین و توابع تقاضای مربوط تصریح گردند. در گام بعدی پارامترهای توابع تقاضا برآورد شده، با استفاده از آنها مقدار ریالی خط فرضی فقر استخراج می‌گردد.

در این تحقیق دوره زمانی مورد بررسی به سالهای ۱۳۷۶-۱۳۶۱ محدود شده است.^۴ و صرفاً خانوارهای شهری مورد بررسی قرار گرفته‌اند.^۵ ضمناً کالاهای موجود

1. Three Stage Least Square

2. Full Information Maximum Likelihood

3. Iterative Seeming Unrelated Regression (s)

۴- علت اصلی گزینش این دوره زمانی عدم وجود آمار قابل اعتماد در مورد بودجه خانوار و شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد برای سال‌های ۱۳۶۰ - ۱۳۵۸ می‌باشد (مرکز آمار ایران).

۵- قابل ذکر است که از این الگو برای خانوارهای روستایی نیز می‌توان استفاده نمود، لیکن به لحاظ دقت ناچیز آمارهای بودجه خانوار و توزیع درآمد در مناطق روستایی، نتایج حاصله صحت چندانی نخواهد داشت.

در سبد مصرفی خانوارها به ۴ گروه اصلی خوراک، پوشاک، مسکن و متفرقه تقسیم شده است.^۱

با توجه به نکات بالا، پارامترهای برآورد شده به صورت زیر می‌باشند. (آمار مورد استفاده همراه با نتایج استخراج شده در پیوست ۳ ارائه شده است).

$\beta_1 = 0/244$	$\gamma_1 = 6229$	خوراک
$\beta_2 = 0/063$	$\gamma_2 = 2403$	پوشاک
$\beta_3 = 0/325$	$\gamma_3 = 5308$	مسکن
$\beta_4 = 0/368$	$\gamma_4 = 2244$	متفرقه

با استفاده از پارامترهای برآورد شده و در نظر گرفتن شاخص‌های قیمت گروه کالاهای چهارگانه می‌توان با استفاده از رابطه $\sum p_i \gamma_i$ به تخمین خط فقر اقدام نمود. نتایج حاصل از تخمین خط فقر خانوارها در مناطق شهری در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

۲-۲- برآورد درصد جمعیت فقیر

به منظور برآورد درصد جمعیت فقیر، در اختیار داشتن آمار مربوط به مخارج متناظر با خط فقر و متوسط مخارج سالانه خانوارها در طبقات دهگانه درآمدی طی سال‌های مختلف ضروری می‌باشد. اطلاعات مربوط به خط فقر در بخش قبل وجود دارد. متوسط مخارج مصرفی سالانه خانوارها نیز در دهک‌های درآمدی برای دوره ۱۳۷۶-۱۳۷۱ موجود است، لیکن برای دوره ۱۳۷۰-۱۳۶۰ با استفاده از متوسط مخارج مصرفی خانوارها و آمار مربوط به توزیع درآمد بین طبقات دهگانه درآمدی (با فرض خطی بودن توزیع هزینه‌های مصرفی خانوارها در دهک‌ها) به صورت زیر

۱- مرکز آمار ایران کالاهای موجود در سبد مصرفی خانوارها را به هشت گروه اصلی (خوراک، پوشاک، مسکن، اثاثیه، بهداشت و درمان، حمل و نقل، تفریح و تحصیل و سایر) تقسیم می‌کند، لیکن به لحاظ آنکه ۵ گروه آخر در دوره ۱۳۷۶-۱۳۶۱ صرفاً ۲۱ درصد مخارج مصرفی خانوارها را به خود اختصاص داده‌اند، در این تحقیق در یک گروه قرار گرفته‌اند.

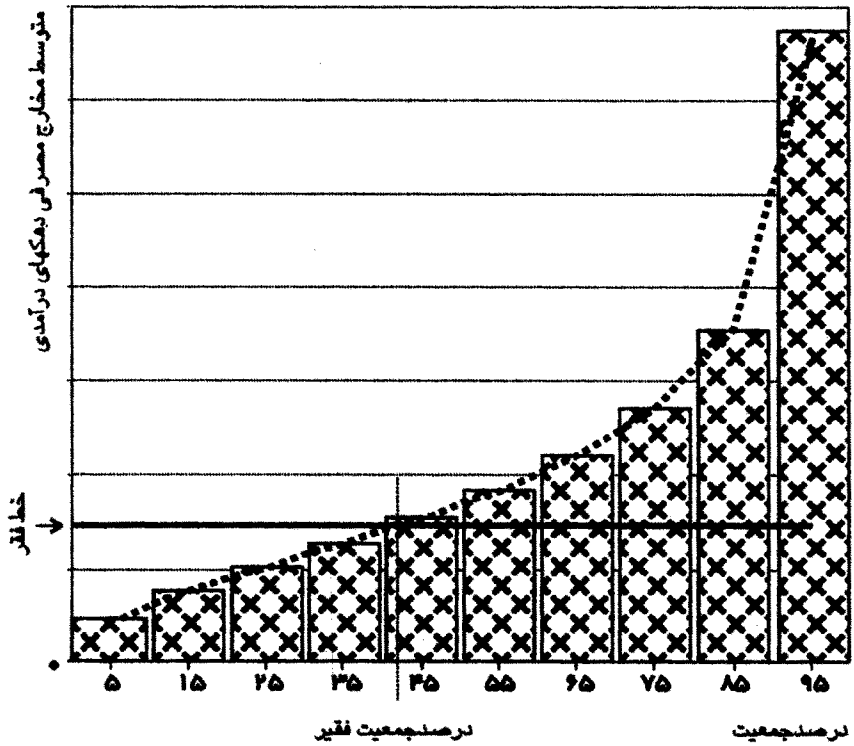
محاسبه می‌گردد:

$$\begin{aligned}
 M &= \bar{m} \cdot n & M &: \text{کل مخارج مصرفی خانوارها} \\
 & & \bar{m} &: \text{متوسط مخارج مصرفی خانوارها} \\
 M_i &= M \cdot \alpha_i & n &: \text{تعداد خانوارهای کل جامعه} \\
 & & M_i &: \text{کل مخارج مصرفی خانوارهای دهک آم} \\
 m_i &= \frac{M_i}{n/10} = \frac{M \cdot \alpha_i}{n/10} & \alpha_i &: \text{سهم دهک آم از کل مخارج مصرفی} \\
 & & \bar{m}_i &: \text{متوسط مخارج مصرفی خانوارهای دهک آم} \\
 \bar{m}_i &= \frac{\bar{m} \cdot n \cdot \alpha_i}{n/10} = 10 \cdot \bar{m} \alpha_i & n/10 &: \text{تعداد خانوارهای دهک آم}
 \end{aligned}$$

با استفاده از فرض خطی بودن توزیع هزینه‌های مصرفی در دهک‌ها،^۱ استنتاج می‌شود که میانه و میانگین مخارج خانوارها در هر دهک با یکدیگر برابر باشند. حال چنانچه متوسط مخارج خانوارهای یک دهک در یک سال مشخص به طور محسوس کوچکتر از مقدار هزینه متناظر با خط فقر در همان سال باشد، می‌توان نتیجه گرفت که خانوارهای آن دهک تماماً زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در صورتی که خط فقر در حد فاصل متوسط مخارج دو دهک قرار گیرد، با استفاده از نسبت‌گیری خطی می‌توان درصد خانوارهای فقیر موجود در آن دهک را نیز محاسبه نمود. سپس با محاسبه تعداد دهک‌هایی که خانوارهای آن کلاً زیر خط فقر بسر می‌برند و تعیین درصد خانوارهای فقیر موجود در دهک اخیر، می‌توان درصد خانوارهای فقیر جامعه را برآورد نمود. جهت درک بهتر مراحل انجام شده می‌توان نمودار زیر را مورد توجه قرار داد.

۱- با توجه به زیاد بودن تعداد خانوارها در هریک از دهک‌های درآمدی این فرض به واقعیت بسیار نزدیک است.

نمودار ۱: تعیین درصد جمعیت فقیر



نتایج حاصل از برآورد خط فقر و تخمین درصد جمعیت فقیر در مناطق شهری در جدول زیر ارائه شده

است.

جدول ۱: خط فقر و درصد جمعیت فقیر در مناطق شهری ۱۳۷۶-۱۳۶۱

سال	خط فقر (خانوار، سالانه، ریال)	خط فقر (خانوار، ماهانه، تومان)	درصد خانوارهای فقیر
۱۳۶۱	۴۸۱۷۲۸	۴۰۱۴	۳۵/۶
۱۳۶۲	۵۵۰۱۱۶	۴۵۸۴	۳۰/۶
۱۳۶۳	۶۰۴۹۴۱	۵۰۴۱	۲۹/۰
۱۳۶۴	۶۴۹۹۲۹	۵۴۱۶	۳۰/۷
۱۳۶۵	۷۹۸۴۹۷	۶۶۵۴	۳۹/۳
۱۳۶۶	۹۹۲۶۶۱	۸۲۷۲	۴۴/۳
۱۳۶۷	۱۲۵۸۴۵۹	۱۲۴۰۰	۴۶/۱
۱۳۶۸	۱۴۸۷۹۵۲	۱۲۴۰۰	۴۶/۱
۱۳۶۹	۱۶۱۸۴۶۵	۱۳۴۸۷	۴۴/۲
۱۳۷۰	۱۹۴۹۴۷۰	۱۶۲۴۶	۴۲/۲
۱۳۷۱	۲۴۲۱۱۹۵	۲۰۱۷۷	۴۰/۵
۱۳۷۲	۲۹۴۳۰۱۹	۲۴۵۲۵	۳۸/۳
۱۳۷۳	۳۹۱۰۸۹۴	۳۲۵۹۱	۳۹/۰
۱۳۷۴	۵۸۵۱۱۹۱	۴۸۷۶۰	۴۳/۲
۱۳۷۵	۷۲۴۴۸۷۰	۶۰۳۷۴	۴۱/۴
۱۳۷۶	۸۵۶۳۳۰۵	۷۱۳۶۱	۳۶/۵

۳- تصریح اهداف در برنامه‌های کاهش فقر

در این بخش از تحقیق، پس از مشخص شدن شدت و گستره فقر در جامعه شهری، در صورت تصریح اهداف در برنامه‌های کاهش فقر، می‌توان امکانات مالی لازم برای اجرای سیاست‌های کاهش فقر را برآورد نمود.

برای مشخص نمودن اهداف سیاست‌های کاهش فقر، تبیین سه نکته ضروری می‌باشد که در ادامه، هر یک از آنها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نکته اول - تعریف هدف در سیاست کاهش فقر: در سیاست کاهش فقر چه گروه‌هایی تحت حمایت قرار می‌گیرند؟ آیا صرفاً فقیرترین خانوارهای جامعه مد نظر هستند (مثلاً دهک اول)؟ آیا کلیه خانوارهای واقع در زیر خط فقر به صورت یکسان تحت حمایت قرار می‌گیرند؟ آیا میزان حمایت از خانوارهای فقیر به شدت فقر آنها بستگی دارد یا تعریف واحدی از "فقیر" وجود دارد؟

نکته دوم - دقت هدف‌گیری سیاست‌های کاهش فقر: این مسأله تا حدود زیادی به شناخت و تفکیک خانوارهای فقیر از غیر فقیر بستگی دارد. به عنوان مثال همواره این احتمال وجود دارد که قسمتی از مبالغ صرف شده برای اجرای سیاست کاهش فقر در اختیار فقرا قرار نگیرد و طبقات ثروتمند هم از آن منتفع شوند (مانند بخش عمده‌ای از یارانه‌های مصرفی). حالت دیگری از ضعف دقت در هدف‌گیری سیاست کاهش فقر این است که بخشی از منابع مالی آن توسط طبقات فقیر تأمین گردد (مالیات‌های غیرمستقیم در بعضی از موارد دارای این ویژگی هستند). به طور کلی مسأله ضعف در دقت هدف‌گیری سیاست کاهش فقر سبب می‌شود امکانات مورد نیاز برای دستیابی به یک هدف تعریف شده برای کاهش فقر افزایش یابد، یا به تعبیر دیگر برای آنکه یک ریال به طور خالص به طبقات فقیر تخصیص یابد، امکانات مالی مورد نیاز به مراتب بیش از یک ریال باشد.

نکته سوم: روش‌های عملی برای اجرای سیاست‌های کاهش فقر: در این رابطه، حداقل پنج روش عملی برای کمک به طبقات فقیر جامعه مطرح است که البته

چهار روش اول باعث بهبود درآمدهای اولیه^۱ و روش پنجم سبب افزایش درآمدهای ثانویه خواهد شد.^۲ این روش‌ها عبارتند از:

- الف - گسترش دارایی‌های تولیدی طبقات فقیر
- ب - افزایش بازدهی دارایی‌های متعلق به جمعیت فقیر
- ج - بهبود فرصت‌های شغلی برای فقرا
- د - تأمین دسترسی فقرا به خدمات بهداشتی و آموزشی
- ه - تکمیل امکانات و منابع مالی فقرا، از طریق پرداخت‌های مستقیم (درآمدهای ثانویه)

تمایز روش‌های عملی اجرای سیاست کاهش فقر از این جهت حایز اهمیت است که شدت، عمق، دوره اثرگذاری، و امکانات مورد نیاز برای اجرای هر یک از آنها با بقیه فرق دارد.

شایان ذکر است که استفاده از روش پنجم برای کاهش فقر در کوتاه مدت کم‌هزینه‌ترین روش است، لیکن آثار میان‌مدت و بلندمدت آن در زمینه کاهش فقر جامعه بسیار محدود خواهد بود و برای تداوم اثر آن، این روش باید به طور مستمر مورد توجه باشد. در مقابل، چهار روش اول اگر چه در کوتاه‌مدت هزینه‌های سنگین‌تری خواهند داشت، لیکن آثار میان‌مدت و بلندمدت قابل توجهی در زمینه کاهش فقر خواهند داشت.

پس از روشن شدن^۳ نکته مورد اشاره، به سادگی می‌توان از طریق بیان سناریوهای مختلف، امکانات مالی مورد نیاز سیاست‌های کاهش فقر را برآورد نمود.

۱- درآمدهای اولیه عبارتست از درآمدهای بدست آمده در نظام اقتصادی، قبل از کسر مالیاتها و دریافت مزایا، یعنی درآمدهایی که مستقیماً از جریان تولید ناشی از کار و داراییها (زمین و سرمایه) حاصل شده‌اند.

۲- درآمدهای ثانوی عبارتست از درآمدهایی که افراد بعد از کسر مالیاتها و دریافت مزایا (مشمول بر کالاهای عمومی و پرداخت‌های مستقیم دولتی و خصوصی) بدست می‌آورند.

۴ - برآورد امکانات مالی سیاست‌های کاهش فقر

هدف از این بخش از تحقیق، ارزیابی امکانات مالی مورد نیاز برای اجرای سیاست‌های کاهش فقر است. البته با توجه به اینکه سیاست‌های کاهش فقر با اهداف مختلف، روش‌های گوناگون و دقت‌های متفاوت در هدف‌گیری اجرا می‌شوند. نمی‌توان طرحی کلی در نظر گرفت و براساس آن امکانات مورد نیاز را برآورد نمود، لذا روش مناسب آنست که گزینه‌های مختلفی از سیاست‌های کاهش فقر تعریف گردد و سپس براساس آنها امکانات لازم در هر گزینه برآورد شود. باید متذکر شد که گزینه‌های مطرح شده همگی بر مبنای اطلاعات و آمار سال ۱۳۷۵ استوار هستند، که البته نتایج آن را می‌توان با اندک تعدیلی به سالهای پس از آن نیز تعمیم داد.

روش کار بدین صورت است که ابتدا با استفاده از نتایج بخش سوم برآوردی از خط فقر و درصد جمعیت فقیر در مناطق شهری استخراج می‌شود. در مرحله بعد هدفی که از اجرای سیاست کاهش فقر دنبال می‌شود تعریف می‌گردد. در قدم بعدی این نکته باید روشن گردد که دقت هدف‌گیری در اجرای سیاست کاهش فقر به چه میزان است. در آخرین گام روش عملی انتخاب شده برای اجرای سیاست کاهش فقر باید مشخص گردد، زیرا انتخاب روش‌های متفاوت قطعاً آثار و بار مالیاتی متفاوتی به دنبال خواهند داشت؛ این مرحله نسبت به مراحل قبلی از حساسیت بیشتری برخوردار است و قاعدتاً با دقت نظر بالاتری می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در این تحقیق صرفاً سه روش از روش‌های پنجگانه کاهش فقر ارزیابی خواهد شد که عبارتند از: گسترش دارایی‌های تولیدی طبقات فقیر، افزایش فرصت‌های شغلی برای طبقات فقیر و استفاده از پرداخت‌های انتقالی مستقیم.

همانگونه که قبلاً اشاره شد، دو روش اول باعث گسترش درآمدهای اولیه می‌شود و روش سوم افزایش درآمدهای ثانوی را به دنبال خواهد داشت. علت اصلی در نظر گرفتن سه روش از روش‌های عملی اجرای سیاست کاهش فقر، زمینه‌کاربردی مساعدتر این روش‌ها در سطح جامعه، وجود اطلاعات آماری مناسب‌تر و

امکان پذیری بیشتر به منظور ارزیابی امکانات مالی مورد نیاز است. در ادامه، چگونگی برآورد امکانات مالی ناشی از اجرای این روش‌ها بررسی می‌گردد.

الف - برآورد امکانات مالی، روش گسترش دلرایی‌های تولیدی طبقات فقیر

یکی از روش‌های مهم اجرای سیاست‌های کاهش فقر افزایش دسترسی طبقات فقیر به دارایی‌های تولیدی است. این روش در روستاها مشخصاً از طریق اصلاحات اراضی، و در مناطق شهری به وسیله واگذاری تدریجی برخی کارخانجات به طبقات فقیر به کار گرفته می‌شود. ضمناً باید این نکته را مدنظر قرار داد که واگذاری به صورت مرحله‌ای انجام گیرد تا شرکت‌ها از لحاظ مدیریت دچار مشکل نشوند. در مورد شرکت‌های بزرگ، در نخستین مرحله، واگذاری سهام آنها به کارکنان مطرح می‌شود. البته اگر هدف اصلی از اجرای این سیاست کاهش فقر باشد، قاعدتاً سهام مذکور باید با اولویت بین طبقات فقیر توزیع گردد. این عمل باعث می‌گردد تا خانوارهای فقیر علاوه بر در اختیار گرفتن سرمایه‌ای جدید بتوانند با استفاده از سود حاصله از سهام درآمد خود را نیز افزایش داده بتوانند فقر موجود را تقلیل دهند.

در اینجا سؤال اصلی اینست که اگر خانواری برای گریز از فقر به x ریال درآمد اضافی نیاز داشته باشد چه میزان سهام به این خانوار باید واگذار شود تا سود حاصل از آن بتواند x ریال درآمد ایجاد نماید؟ برای پاسخگویی به این سوال ۷۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت نمونه انتخاب شدند^۱ و نسبت سود هر سهم (EPS) به قیمت واقعی آن در سالهای ۷۵ الی ۷۷ برای این شرکت‌ها محاسبه شد. این نسبت در سال‌های مذکور به ترتیب $۱۴/۶$ ، $۱۸/۴$ و $۱۹/۸$ درصد و میانگین آنها $۱۷/۶$ درصد بوده است. مفهوم این ارقام این است که اگر سهامی به ارزش ۱۰۰ ریال به یک خانوار واگذار گردد در طول سال $۱۷/۶$ ریال سود سهم یا درآمد خواهد داشت. به

۱- علت انتخاب شرکت‌های پذیرفته شده در بورس وجود اطلاعات مالی نسبتاً قابل قبول در مورد آنهاست.

عبارت دیگر برای ایجاد x ریال درآمد لازم است $x \times 5/7$ ریال سهام به او واگذار گردد. بدین ترتیب امکانات مالی مورد نیاز به منظور اجرای سیاست کاهش فقر برای دستیابی به یک هدف مشخص و تعریف شده با استفاده از روش گسترش دارایی‌ها و سرمایه‌های تولیدی را می‌توان برآورد نمود.

ب - برآورد امکانات مالی، روش بهبود فرصت‌های شغلی

یکی از علل اساسی ایجاد و گسترش فقر بین خانوارها کم کاری و بیکاری سرپرست خانوار است. بنابراین ایجاد اشتغال برای این گونه افراد می‌تواند نقش مؤثری در کاهش فقر در جامعه ایفا نماید. نکته اساسی در این مورد برآورد امکانات مالی لازم برای ایجاد فرصت‌های شغلی یا به عبارتی محاسبه هزینه‌بری اشتغال است. این نکته نیز باید مد نظر قرار گیرد که هزینه اشتغال‌زایی در بخش‌های مختلف اقتصادی متفاوت است، لیکن به منظور اجتناب از پیچیدگی مسأله در اینجا حالت میانه در نظر گرفته می‌شود. با تعیین رقم مورد اشاره (متوسط هزینه ایجاد شغل در بخش‌های اقتصادی) می‌توان میزان سرمایه‌گذاری را در بخش‌های اقتصادی جهت ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با هدف تعریف شده در سیاست کاهش فقر، محاسبه نمود.

تعیین میزان هزینه ایجاد هر شغل به تفکیک بخش‌های اقتصادی به دلیل مشکلات مربوط به محاسبه سرمایه موجود در هر بخش کاری بسیار مشکل و فنی است و روش‌های مختلف برآورد موجودی سرمایه نتایج متفاوتی بدست می‌دهد. بنابراین در این زمینه عمدتاً از نسبت افزایش سرمایه‌گذاری (تشکیل سرمایه) به افزایش اشتغال استفاده می‌شود. این نسبت نشان می‌دهد که برای ایجاد هر شغل در بخش‌های اقتصادی چه مقدار سرمایه‌گذاری صورت گرفته است. این نسبت برای ۳ دوره زمانی ۱۰ ساله براساس آمار موجود محاسبه و در جدول زیر ارائه شده است.

عدد ۵/۱ در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ بدین معناست که برای ایجاد هر شغل طی این دوره مبلغ ۵/۱ میلیون ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱، سرمایه‌گذاری صورت

گرفته است. حال اگر همین رقم برای سال ۱۳۷۵ در نظر گرفته شود، با توجه به اینکه شاخص قیمت به عدد ۱۶۱۹ رسیده است، می‌توان نتیجه گرفت که برای ایجاد یک شغل در سال ۱۳۷۵ باید حدوداً ۸۲/۶ میلیون ریال سرمایه‌گذاری صورت گیرد. بدین ترتیب امکانات مالی مورد نیاز به منظور اجرای سیاست کاهش فقر برای دستیابی به یک هدف مشخص و تعریف شده را می‌توان با استفاده از روش ایجاد فرصت‌های شغلی برآورد نمود.

ج - برآورد امکانات مالی در صورت استفاده از پرداخت‌های انتقالی

اصولاً بسیاری از خانوارهای فقیر کشورهای جهان سوم را نمی‌توان از طریق افزایش دارایی‌ها و یا ایجاد فرصت‌های شغلی و یا اصولاً روش‌هایی که باعث بهبود درآمدهای اولیه آنان می‌شود تحت حمایت قرار داد. به عنوان مثال مشکلات خانوارهایی را که سرپرست آن ناتوان است، یا شدت فقر در آنها در حدی است که از فرصت‌های شغلی ایجاد شده نمی‌توانند استفاده کنند، یا حمایت‌های صورت گرفته هنوز به ثمر نرسیده است به سهولت و با سرعت از طریق ایجاد تغییر در درآمدهای اولیه تخفیف نمی‌یابد. به همین دلیل به نظر می‌رسد که تنها راه حمایت از این خانوارها پرداخت‌های مستقیم به صورت اعانه، کمک معاش و... می‌باشد.

به منظور ارزیابی امکانات مالی مورد نیاز برای خروج این خانوارها از شرایط فقر، می‌بایست شکاف بین هزینه‌های فعلی خانوار تا سطح هزینه متناظر با خطر فقر محاسبه گردد و معادل آن پرداخت‌های مستقیم صورت پذیرد.

جدول ۲. برآورد هزینه ایجاد شغل در بخشهای مختلف اقتصادی (بر حسب قیمت‌های ثابت ۱۳۶۱)

بخشهای اقتصادی	دوره زمانی								
	۱۳۶۵ - ۱۳۷۵			۱۳۵۵ - ۱۳۶۵			۱۳۴۵ - ۱۳۵۵		
	سرمایه گذاری سزانه (میلیون ریال)	ΔL (هزار نفر)	ΔK (میلیارد ریال)	سرمایه گذاری سزانه (میلیون ریال)	ΔL (هزار نفر)	ΔK (میلیارد ریال)	سرمایه گذاری سزانه (میلیون ریال)	ΔL (هزار نفر)	ΔK (میلیارد ریال)
کشاورزی	۵/۴۲	۱۶۶	۹۰۰	۶/۱۲	۱۹۹	۱۲۱۸	—	-۳۸۸	۱۱۷۰
نفت و گاز	۱۰/۸	۶۰	۶۴۸	۵۹/۷۲	۲۹	۱۷۳۲	۱۸۷	۹	۱۶۸۳
صنعت و معدن	۲/۹۳	۱۱۸۹	۳۴۸۶	—	-۲۷۹	۳۶۶۸	۶/۱۴	۴۳۸	۲۶۸۹
ساختمان	۰/۴۵	۴۴۴	۲۰۲	۱۵/۲۲	۱۷	۲۵۹	۰/۴۲۵	۲۷۹	۲۸۹
خدمات	۶/۰۹	۱۷۱۳	۱۰۴۲۹	۶/۸۸	۲۲۳۵	۱۵۳۷۹	۹/۲	۹۴۴	۸۶۸۶
کل	۵/۱	۳۵۷۰	۱۸۲۰۷	۹/۹۹	۲۲۰۲	۲۱۹۹۶	۵/۴۵	۱۶۸۳	۱۴۲۲۸

مأخذ: ۱- بررسی تحول اشتغال و پیش بینی تقاضای نیروی کار در برنامه پنج ساله سوم، وزارت کار و امور اجتماعی، کمیته اصلاح سیاست‌های اشتغال برنامه سوم، ۱۳۷۷.

۲- دکتر محسن نظری، «تحولات بازار نیروی کار در ایران»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱، سال ۱۳۷۷.

۱-۴ - شبیه سازی سیاست‌های کاهش فقر در مناطق شهری

در این بخش از تحقیق پس از بیان جنبه‌های مختلف اقتصادی سیاست‌های کاهش فقر، می‌توان به شبیه‌سازی این راهکارها پرداخت و با استفاده از نتایج حاصله با بصیرت بیشتری توانایی‌های جامعه را به منظور کاهش فقر ارزیابی نمود. در ادامه چند گزینه برای اهداف مختلف کاهش فقر طرح می‌شوند که با توجه به مطالب ارائه شده در بخشهای قبلی تحلیل می‌شوند. قابل ذکر آنکه گزینه‌های مطرح شده همگی بر مبنای اطلاعات و آمار سال ۱۳۷۵ استوار هستند، که این نتایج را با اندکی تعدیل می‌توان به سالهای پس از آن نیز تعمیم داد.

در ابتدا شایسته است تصویری از فقر در مناطق شهری، در سال ۱۳۷۵، ارائه گردد.

خط فقر (مخارج سالانه - خانوار) - PL: ۷,۲۴۴,۸۷۰ ریال

درصد جمعیت فقیر - H: ۴۱/۴ درصد

تعداد کل خانوارها - N: ۷,۹۴۳,۱۸۹

تعداد خانوارهای فقیر: ۳,۰۱۸,۴۱۲

سهم مخارج فقرا: ۱۶/۹۸ درصد

متوسط مخارج (مخارج سالانه - خانوار) - AC: ۱۱,۰۶۰,۶۷۵ ریال

متوسط مخارج فقرا (مخارج سالانه - خانوار) - ACP: ۴,۵۳۶,۴۸۰ ریال

متوسط مخارج خانوارهای غیر فقیر (مخارج سالانه - خانوار) - ACR:

۱۵,۶۶۹,۹۱۸ ریال

شکاف فقر^۱ - PG: ۸,۸۲۱ میلیارد ریال

$$PG = N.H (PL - ACP)$$

نسبت شکاف درآمدی^۲: ۲,۷۰۸,۳۹۰ ریال

۱- شکاف فقر همانگونه که در بخش الف - ۳ - ۱ (فصل چهارم) توضیح داده شد، عبارتست از مجموع کمبود درآمد تمامی فقرا نسبت به خط فقر

۲- نسبت شکاف درآمدی عبارتست از میانگین کمبود درآمد فقرا نسبت به خط فقر

جدول ۳: سهم و متوسط مخارج مصرفی خانوارها در دهک‌های مختلف درآمدی

در مناطق شهری (۱۳۷۵)

دهک‌ها	سهم مخارج (درصد)	متوسط مخارج خانوار (ریال)
اول	۱/۹۹	۲,۲۰۱,۰۷۴
دوم	۳/۵۳	۳,۹۰۴,۴۱۸
سوم	۴/۶۹	۵,۱۸۷,۴۵۷
چهارم	۵/۸۰	۶,۴۱۵,۱۹۲
پنجم	۶/۹۷	۷,۷۰۹,۲۹۰
ششم	۸/۳۴	۹,۲۲۴,۶۰۳
هفتم	۹/۹۹	۱۱,۰۴۹,۶۱۴
هشتم	۱۲/۲۴	۱۳,۵۳۸,۲۶۶
نهم	۱۵/۹۷	۱۷,۶۶۳,۸۹۷
دهم	۳۰/۴۸	۳۳,۷۱۲,۹۳۷

پس از ارایه تصویری از فقر در مناطق شهری، گزینه‌های مختلف برای اجرای سیاست‌های کاهش فقر را می‌توان بررسی نمود.

الف - حذف فقر در مناطق شهری

با استفاده از اطلاعات بالا مشخص می‌گردد که، در صورت استفاده از پرداخت‌های انتقالی برای حذف کامل فقر در مناطق شهری، ۸,۸۲۱ میلیارد ریال بودجه مورد نیاز خواهد بود، این مقدار پرداخت انتقالی معادل $3/7$ درصد تولید ناخالص داخلی و ۷۰ درصد کل درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۱۳۷۵ می‌باشد.^۱ بدیهی است در صورتی

۱- در سال ۱۳۷۵ تولید ناخالص داخلی و درآمدهای مالیاتی به ترتیب برابر ۲۳۹,۰۵۴ و ۱۲,۵۶۰ میلیارد ریال بوده است.

که قرار باشد شکاف فقر با استفاده از گسترش دارایی‌های طبقات فقیر با افزایش دارایی طبقات فقیر، به نظر می‌رسد که شکاف فقر باید کاهش یابد، (طبق برآورد بخش ۴-الف) ۵۰,۲۸۰ میلیارد ریال امکانات مالی مورد نیاز خواهد بود که معادل ۲۱ درصد تولید ناخالص داخلی و ۴ برابر درآمدهای مالیاتی می‌باشد.

نکته قابل تعمق اینکه اعداد برآورد شده در شرایطی بدست آمده‌اند که دقت هدف‌گیری سیاست‌های کاهش فقر معادل صد درصد فرض شده است، حال اگر دقت هدف‌گیری کاهش یابد، وجوه مورد نیاز افزایش خواهند یافت. بعنوان مثال در صورتی که دقت هدف‌گیری ۵۰ درصد باشد، وجوه مورد نیاز دقیقاً دو برابر خواهند شد.

اکنون این مسأله بررسی می‌گردد که اگر قرار باشد این میزان پرداخت‌های انتقالی توسط طبقات غیر فقیر جامعه تأمین مالی گردد یعنی از سیاست باز توزیع استفاده شود، چه سهمی از مخارج خانوارهای غیر فقیر باید مصروف این کار گردد. برای این منظور کاکوانی^۱ رابطه زیر را پیشنهاد می‌نماید:

$$P = \frac{H(PL - ACP)}{(1-H)ACR}$$

P: عبارتست از سهم مصرف خانوارهای غیر فقیر برای تأمین پرداخت‌های انتقالی

$$P = \frac{41/4(7244870 - 4536480)}{58/6 \times 15669918} = 12/2\%$$

یعنی حجم پرداخت‌های انتقالی معادل ۱۲/۲ درصد مصرف خانوارهای غیر فقیر است.

هدف تعریف شده برای سیاست کاهش فقر در مثال بالا عبارتست از حذف کامل فقر. لازم به ذکر نیست که این هدف قطعاً در طول یکسال دست نیافتنی خواهد بود و صرفاً برای روشن شدن تصویر فقر و بیان عمق فقر موجود در جامعه ارائه گردید. در شبیه‌سازیهای واقعی تر قاعدتاً باید اهداف دست‌یافتنی‌تری برای کاهش فقر مدنظر

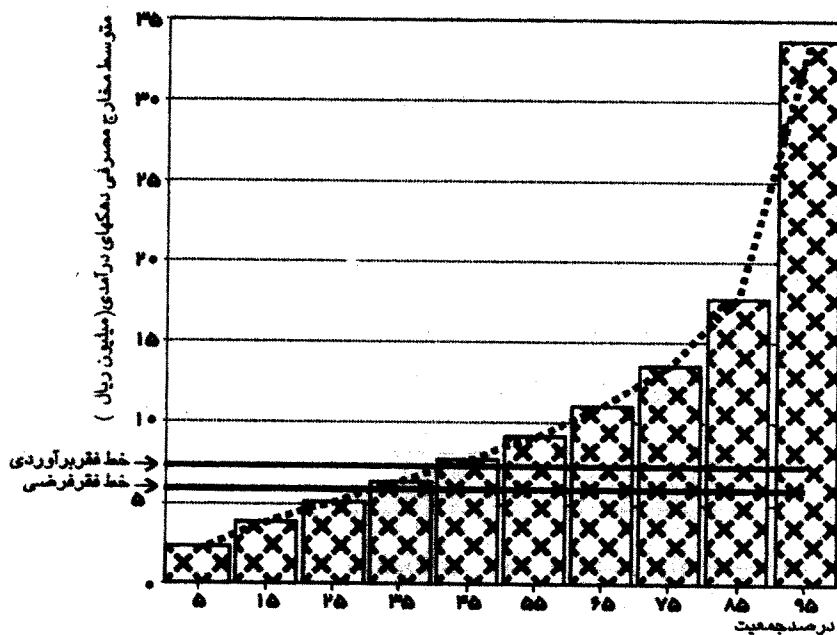
قرار گیرند. به عنوان مثال، در ادامه این بحث، خارج نمودن ده درصد جمعیت از زیر خط فقر بعنوان هدف تعریف می‌گردد و سپس با توجه به این هدف امکانات مالی مورد نیاز برای دستیابی به آن برآورد می‌شود.

ب - خارج نمودن ده درصد جمعیت از زیر خط فقر

تنها اختلاف این سناریو با مورد قبلی، تفاوت در هدف مورد نظر سیاست کاهش فقر است. در حالت قبل حذف کلی فقر مورد نظر بود، اما در شرایط فعلی هدف سیاست کاهش فقر عبارتست از داشتن دید یکسان نسبت به کلیه خانوارهای فقیر و افزایش مخارج همه آنها به گونه‌ای که ده درصد جمعیت از زیر خط فقر خارج شوند. بدیهی است در این حالت اجرای سیاست کاهش فقر به امکانات کمتری نیاز خواهد داشت و تا حدودی جنبه عملی تری به خود خواهد گرفت.

پس از روشن شدن هدف در سیاست کاهش فقر، نکته مهم عبارت است از برآورد امکانات مورد نیاز برای دستیابی به هدف مورد نظر. به منظور برآورد امکانات مالی براساس نمودار ۱ علاوه بر خط فقر اصلی یک خط فقر فرضی نیز در نظر گرفته می‌شود. به گونه‌ای که در این شرایط درصد جمعیت فقیر ۱۰ درصد کمتر از حالت قبل باشد. شکاف بین این دو خط فقر عبارتست از افزایشی که باید در مخارج کلیه خانوارهای فقیر ایجاد گردد تا اینکه ۱۰ درصد خانوارها از شرایط فقر خارج شوند.

نمودار ۲: برآورد افزایش مخارج مورد نیاز برای خارج نمودن ده درصد جمعیت از زیر خط فقر



با استفاده از روشی که در بخش ۳ مطرح گردید، در صورتی که خط فقر در سطح ۵,۹۷۳,۲۰۷ ریال قرار داشته باشد جمعیت فقیر معادل ۳۱/۲ درصد خواهد بود (یعنی ۱۰ درصد کمتر از شرایط واقعی) شکاف بین این دو خط فقر برابر ۱,۲۷۱,۶۶۳ ریال است و معادل درآمدی است که طبق هدف تعریف شده باید به طور مساوی بین خانوارهای فقیر تقسیم گردد. بنابراین کل پرداخت‌های انتقالی مورد نیاز معادل ۳,۸۳۸ میلیارد ریال خواهد بود. این میزان پرداخت انتقالی معادل ۱/۶ درصد تولید ناخالص داخلی و ۳۰/۶ درصد کل درآمدهای مالیاتی است. همچنین اگر برای تأمین مالی امکانات مالی مورد نیاز، از سیاست‌های باز توزیع درآمد استفاده شود می‌بایست ۵

درصد از مصرف خانوارهای غیر فقیر به این منظور اختصاص یابد. در صورت استفاده از گسترش دارایی‌های طبقات فقیر، برای تحقق هدف مورد نظر (طبق برآورد بخش ۴-الف) ۲۱,۸۷۷ میلیارد ریال امکانات مالی مورد نیاز خواهد بود که معادل ۹/۲ درصد تولید ناخالص داخلی و ۷۴ درصد بیش از کل درآمدهای مالیاتی و ۲۸/۳ درصد مصرف خانوارهای غیر فقیر (در صورت استفاده از سیاست باز توزیع) خواهد بود.

حال اگر قرار باشد هدف تعریف شده برای کاهش فقر از طریق ایجاد اشتغال تحقق یابد می‌بایست برای ده درصد خانوارهای شهری (۷۹۴,۳۱۸ خانوار) فرصت شغلی ایجاد گردد. با توجه به اینکه (طبق برآورد بخش ۴ - ب) هزینه ایجاد یک فرصت شغلی ۸۲/۶ میلیون ریال است، نتیجتاً ۶۵,۶۱۰ میلیارد ریال امکانات مالی مورد نیاز خواهد بود. این امر یعنی اختصاص ۲۷/۵ درصد تولید ناخالص داخلی برای گسترش فرصت‌های شغلی که معادل ۸۵ درصد مصرف خانوارهای غیر فقیر می‌باشد (در صورت استفاده از سیاست باز توزیع).

ج- جمع‌بندی گزینه‌ها

بدین ترتیب با استفاده از مطالب ارائه شده، گزینه‌های دیگری را نیز می‌توان برای اجرای سیاست‌های کاهش فقر طراحی نمود و به ارزیابی آنها پرداخت. لیکن این نکته اساسی را نیز باید یادآوری نمود که اعداد برآورد شده در شرایطی بدست آمده‌اند که دقت هدف‌گیری سیاست‌های کاهش فقر معادل صد درصد فرض شده است، حال اگر دقت هدف‌گیری کاهش یابد و جوه مورد نیاز به صورت تصاعدی افزایش خواهند یافت.

در ادامه نتایج حاصل از طراحی دو گزینه برای اجرای سیاست کاهش فقر در مناطق شهری در جدول ۴ خلاصه می‌شوند.

جدول ۴. ارزیابی سیاست‌های کاهش فقر در قالب دو سناریو (مناطق شهری) - سال ۱۳۷۵

مصرف طبقات غیر فقیر	در مقایسه با ... (درصد)			نیاز (میلیارد ریال)	امکانات مالی مورد	روش‌های اجرایی	هدف
	کل درآمدهای مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	تولید ناخالص داخلی				
۱۲/۲	۷۰	۳/۷	۸۸۲۱	استفاده از پروژه‌های مستقیم به فقرا	حذف فقر		
۶۵/۱	۴۰۰	۲۱	۵۰۲۸۰	گسترش داریی‌های طبقات فقیر			
۵	۳۰/۶	۱/۶	۳۸۳۸	استفاده از پروژه‌های مستقیم به فقرا	خارج نمودن ده درصد جمعیت از زیر خط فقر		
۲۸/۳	۱۷۴	۹/۲	۲۱۸۷۷	گسترش داریی‌های طبقات فقیر			
۸۵	۵۲۲/۴	۲۷/۵	۶۵۶۱۰	انزایش فرصت‌های شغلی (ایجاد اشتغال برای ۷۹۴,۳۱۹ نفر)			

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

در این تحقیق با استفاده از آمار بودجه خانوار و شاخص قیمت و توزیع درآمد، ابتدا عمق و گستره فقر در مناطق شهری برآورد گردید. پس از آن اهداف مورد نظر در اجرای سیاست‌های کاهش فقر تصریح شدند و نهایتاً امکانات مالی لازم برای دستیابی به اهداف اشاره شده تخمین زده شد.

مقایسه بین وسعت فقر موجود در جامعه و امکانات اقتصادی کشور برای کاهش فقر حکایت از عدم تناسب شدید این دو مقوله دارد و نشان دهنده این واقعیت تلخ است که کاهش فقر در سطحی قابل قبول و با توجه به امکانات موجود، اگر غیر ممکن نباشد کاری بس دشوار به حساب می‌آید. در این شرایط واضح است که ادعاهایی نظیر کاهش معنادار فقر، با توجه به امکانات موجود، نمی‌تواند محقق شود. به عنوان مثال چنانچه جامعه بخواهد، ده درصد جمعیت، در مناطق شهری، از زیر خط فقر خارج شوند، هر ساله می‌بایست حدود $1/6$ درصد تولید ناخالص داخلی و به عبارتی ۴۷ درصد از متوسط رشد اقتصادی را به این امر اختصاص دهد.^۱ از سوی دیگر چنانچه قرار باشد با استفاده از سیاست باز توزیع درآمد، این هدف محقق گردد، می‌بایست بیش از ۱۰ درصد مصرف گروه غیر فقیر در اختیار طبقات فقیر قرار گیرد که قاعدتاً با مقاومت شدید گروه غیر فقیر روبرو خواهیم شد.

نکته مهم تر آنست که محاسبات بالا در شرایطی صحیح خواهد بود که دقت هدف‌گیری سیاست‌های کاهش فقر دقیقاً برابر صد درصد باشد و هیچگونه انحرافی در پرداخت‌های انتقالی صورت نگیرد، یعنی کلیه پرداخت‌های انتقالی صرفاً در اختیار جمعیت فقیر قرار گیرد و طبقات غیر فقیر از آن بهره‌مند نگردند، یا در سیاست باز توزیع، کلیه امکانات مورد نیاز از طبقات غیر فقیر جامعه اخذ شود و فشاری بر اقشار فقیر وارد نگردد. حال اگر دقت هدف‌گیری کاهش یابد و مثلاً در سطح ۵۰ درصد قرار

۱- با عنایت به اینکه متوسط نرخ رشد اقتصادی در دوره سال‌های ۱۳۷۶ - ۱۳۵۰ حدوداً $3/4$ درصد بوده است.

گیرد، امکانات مورد نیاز برای اجرای سیاست کاهش فقر با هدف تعریف شده، دو برابر خواهد شد.

مسئله دیگر آنکه اجرای سیاست کاهش فقر با استفاده از پرداخت‌های انتقالی در کوتاه‌مدت کم‌هزینه‌تر از سایر روش‌ها است، ولی ضعف این روش در این است که آثار بلندمدت ندارد (حتی ممکن است انگیزه فعالیت را در برخی از افراد کاهش دهد). در مقابل، چهار روش دیگر که باعث افزایش درآمدهای اولیه می‌شوند، در ابتدای امر هزینه بسیار سنگین‌تری نسبت به پرداخت‌های انتقالی مستقیم خواهند داشت، اما قاعدتاً آثار آنها برای مدت زمان طولانی باقی خواهد ماند.

باتوجه به این مسایل بدیهی است به منظور افزایش موفقیت در اجرای سیاست کاهش فقر علاوه بر افزودن بر نرخ رشد اقتصادی، که به تبع آن امکانات جامعه برای کاهش فقر گسترش می‌یابد و بدون وجود آن هیچ تضمینی برای موفقیت در اجرای سیاست‌های کاهش فقر نیست، می‌بایست دقت هدف‌گیری سیاست‌های کاهش فقر تا حد امکان افزایش یابد. این مسئله به معنای حداکثر استفاده از امکانات مورد نظر برای کاهش فقر است. به عبارت دیگر ایجاد نظام حمایتی هدفمند (که البته در گرو شناسایی دقیق گروه‌های نیازمند است) در کنار تمرکز در اخذ مالیات از طبقات بالای جامعه، یعنی استفاده بیشتر از مالیات‌های مستقیم و شناسایی دقیق گروه‌های مرفه جامعه، مد نظر است. همچنین استفاده از روش‌های مختلف اجرای سیاست کاهش فقر به صورت ترکیبی و برحسب مورد، آثار مطلوب‌تری به دنبال خواهد داشت.

پیوست ۱: استخراج تابع تقاضا

تابع مطلوبیت استون - گری عبارتست از:

$$۱) \quad U = \sum_{i=1}^n \beta_i \text{Log}(q_i - \gamma_i)$$

قیود این تابع عبارتست از:

$$q_i - \gamma_i > 0 \quad 0 < \beta_i < 1 \quad \sum_{i=1}^n \beta_i = 1$$

که در آن U سطح مطلوبیت، n تعداد کالاها، q_i مقدار مصرف کالای i ام، γ_i سطح حداقل مصرف کالای i ام، β_i سهم نسبی کالای i ام از نظر گرفتن سطح حداقل مصرف در تابع مطلوبیت می‌باشد. تابع بالا بایستی مشروط به محدودیت بودجه زیر حداکثر شود.

$$۲) \quad \sum_{i=1}^n p_i q_i = m$$

m سطح درآمد و p_i قیمت کالای i ام می‌باشد. تابع گرانژ عبارتست از:

$$۳) \quad L = \sum_{i=1}^n \beta_i \text{Log}(q_i - \gamma_i) + \lambda(m - \sum_{i=1}^n p_i q_i)$$

شرایط درجه اول به صورت زیر تعریف می‌شوند.

$$۴) \frac{\delta L}{\delta q_i} = \frac{\beta_i}{q_i - \gamma_i} - \lambda p_i = 0 \quad \beta_i = \lambda(p_i q_i - p_i \gamma_i)$$

$$۵) \frac{\delta L}{\delta \lambda} = m - \sum p_i q_i = 0$$

دو طرف رابطه اول را روی آن جمع می‌کنیم.

$$۶) \sum \beta_i = \lambda(\sum p_i q_i - \sum p_i \gamma_i)$$

با توجه به قید $\sum \beta_i = 1$ در تابع مطلوبیت و قید بودجه $m = \sum p_i q_i$ می‌توان نتیجه گرفت.

$$۷) \lambda = \frac{1}{m - \sum p_i \gamma_i}$$

حال اگر مقدار λ در n معادله رابطه ۴ قرار گیرد.

$$۸) q_i = \gamma_i + \frac{\beta_i}{p_i}(m - \sum p_i \gamma_i)$$

با ضرب طرفین رابطه بالا در شاخص قیمت خواهیم داشت:

$$۹) E_i = p_i q_i = q_i \gamma_i + \beta_i(m - \sum p_i \gamma_i)$$

این معادلات را سیستم مخارج خطی می‌نامند. زیرا مخارج، یک تابع خطی از درآمد و قیمت‌هاست.

بیوست دو: برآورد پارامترهای تابع تقاضا

چنانکه مشخص است، تابع تقاضای استخراج شده برحسب پارامترها غیر خطی است. در نتیجه برای تخمین پارامترهای β_i و γ_i باید از روش‌های غیرخطی استفاده نمود.

تخمین پارامترهای β_i و γ_i مبتنی بر نمونه‌ای از داده‌های درآمد، قیمت و مصرف هر کالا می‌باشد. چنانچه سه گروه کالا در نظر گرفته شود، دستگاه ۹ برای نمونه ۱، ...، T به صورت زیر خواهد بود.

$$p_{1t}q_{1t} = p_{1t}\gamma_1 + \beta_1(m_t - p_{1t}\gamma_1 - p_{2t}\gamma_2 - p_{3t}\gamma_3) + e_{1t}$$

$$p_{2t}q_{2t} = p_{2t}\gamma_2 + \beta_2(m_t - p_{1t}\gamma_1 - p_{2t}\gamma_2 - p_{3t}\gamma_3) + e_{2t}$$

$$p_{3t}q_{3t} = p_{3t}\gamma_3 + \beta_3(m_t - p_{1t}\gamma_1 - p_{2t}\gamma_2 - p_{3t}\gamma_3) + e_{3t}$$

که در آن $E(e_t - e_t) = \Sigma$ در حالی که $e_t = (e_{1t}, e_{2t}, e_{3t})$ و Σ یک ماتریس غیر قطری است، لذا معادلات ۱۰ یک دستگاه رگرسیونی به ظاهر غیر مرتبط غیر خطی^۱ می‌باشد. چنانچه معادلات ۱۰ را با یکدیگر جمع کنیم با توجه به محدودیت‌های $\Sigma p_{it}q_{it} = m_t, \Sigma \beta_i = 1$ می‌توان نتیجه گرفت:

$$e_{1t} + e_{2t} + e_{3t} = 0$$

ماتریس Σ منفرد است، مشکل مذکور را می‌توان از طریق تخمین فقط ۲ معادله از دستگاه ۳ معادله‌ای ۱۰ برطرف نمود و سپس با استفاده از قید $\Sigma \beta_i = 1$ مقدار β_i را برآورد نمود.

برای تخمین پارامترها باید مقادیر اولیه‌ای برای γ_i و β_i ها در نظر گرفته شود. بدین صورت که حداقل میزان مصرف از q_{it} در طول دوره بررسی و سهم متوسط $\frac{1}{T} \sum \frac{p_{it}q_{it}}{m_t}$ به عنوان نقطه شروع مطلوبی برای γ_i ، β_i در نظر گرفته شوند.

پیوست ۳: اطلاعات آماری مورد استفاده برای اندازه‌گیری فقر در ایران

جدول ۵ - شاخص قیمت کالاها و خدمات در مناطق شهری (۱۳۶۱-۱۳۷۶)

سال	خوراک	پوشاک	مسکن	گروه کالای متفرقه	کل
۱۳۶۱	۳۴/۱	۱۸/۶	۳۰/۹	۲۷/۰	۳۰/۱۵
۱۳۶۲	۳۸/۰	۲۲/۹	۳۵/۴	۳۱/۴	۳۴/۳۷
۱۳۶۳	۴۱/۵	۲۵/۲	۳۹/۱	۳۴/۹	۳۷/۸۲
۱۳۶۴	۴۵/۷	۲۵/۱	۴۲/۱	۳۶/۳	۴۰/۶۳
۱۳۶۵	۵۸/۷	۲۷/۲	۵۰/۵	۴۴/۳	۵۰/۲۶
۱۳۶۶	۷۰/۰	۳۸/۲	۶۲/۲	۶۰/۰	۶۲/۷۶
۱۳۶۷	۸۳/۱	۵۹/۸	۷۹/۳	۷۸/۵	۷۸/۹۶
۱۳۶۸	۹۵/۹	۸۱/۹	۹۲/۹	۸۹/۵	۹۲/۲۵
۱۳۶۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۰	۱۲۴/۴	۱۱۲/۳	۱۱۹/۷	۱۲۰/۰	۱۲۰/۹۴
۱۳۷۱	۱۶۰/۱	۱۲۳/۱	۱۵۰/۲	۱۴۷/۴	۱۵۱/۱۱
۱۳۷۲	۱۹۷/۰	۱۴۲/۳	۱۷۸/۵	۱۹۰/۰	۱۸۵/۷۷
۱۳۷۳	۲۷۰/۷	۱۹۸/۲	۲۱۵/۶	۲۶۹/۱	۲۴۹/۸۳
۱۳۷۴	۴۳۴/۰	۳۲۰/۰	۲۷۸/۰	۴۰۲/۴	۳۷۵/۶۴
۱۳۷۵	۴۹۹/۲	۴۳۱/۰	۳۷۵/۴	۴۹۳/۲	۴۵۹/۴۴
۱۳۷۶	۵۶۸/۶	۴۸۷/۹	۴۸۹/۵	۵۵۷/۴	۵۳۸/۹

مأخذ: مرکز آمار ایران. سالنامه آماری سالهای مختلف، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف.

جدول ۶: متوسط هزینه‌های مصرفی خانوارهای شهری (۱۳۷۵ - ۱۳۶۱) - ریال

کل	تعمیر و تحویل سایر کالاها و خدمات	تفریح و تغذیه و نقل	حمل و نقل	بهداشت و درمان	کالاها و خدمات منزل	مسکن	پوشاک	خوراک	سال
۱۱۳۶۲	۴۲۳۴	۱۳۶۳	۵۲۹۳	۳۶۴۸	۵۶۱۲	۲۶۵۰۶	۷۲۸۰	۳۵۵۰۷۵	۱۳۶۱
۱۱۱۳۱۱	۵۸۷۴	۱۸۰۳۹	۷۲۴۴	۴۷۵۲	۷۶۰۷۱	۳۰۳۱۵۳	۱۰۰۱۳۲۹	۳۵۵۶۸	۱۳۶۲
۱۲۲۰۴۰	۷۵۰۶	۱۹۵۵۰	۸۲۴۷	۶۰۷۶۹	۷۰۲۷۹	۳۵۰۳۲۹	۱۰۴۴۱۶	۴۸۰۱۵۴	۱۳۶۳
۱۲۷۹۵۹	۶۵۹۴	۲۱۵۸۷	۸۷۱۲	۶۷۴۰	۶۷۴۰	۳۷۳۰۳	۱۰۴۶۰۷	۴۹۹۳۶	۱۳۶۴
۱۳۲۵۷۶	۵۰۹۵۱	۲۱۰۸۳	۸۶۰۸۰	۵۱۴۴۶	۶۲۵۸	۳۸۷۶۲	۹۷۳۰	۵۴۶۶۶۶	۱۳۶۵
۱۴۸۱۷۴	۲۴۵۹	۲۲۹۲۲	۹۷۹۵۹	۷۰۰۶۴	۷۵۰۰۲	۴۱۲۸۰	۱۳۱۰۶۰	۶۳۴۴۸	۱۳۶۶
۱۸۰۰۳۲۸	۵۳۲۷	۲۵۶۷۴	۹۵۹۲۹	۷۷۵۵۱	۷۶۰۴۷	۴۸۸۰۱۱	۱۸۰۳۳۴	۸۰۲۹۶۵	۱۳۶۷
۲۰۸۶۱۴۱	۶۰۹۲۸	۳۲۰۷۲	۹۷۸۳۳	۷۲۸۳۷	۱۰۱۴۱۷	۵۷۳۳۶	۳۳۸۵۵	۹۱۶۱۳۹	۱۳۶۸
۲۲۹۲۷۹	۷۱۲۰۴	۴۶۳۶۶	۱۰۳۳۲۹	۹۱۵۹۸	۱۴۰۴۷۲	۷۹۲۲۸۸	۲۹۹۵۸۳	۹۴۸۳۸	۱۳۶۹
۳۰۵۵۶۹۱	۹۶۰۴۰	۶۹۰۷۱	۱۷۷۷۵	۱۳۱۵۱۲	۱۹۴۵۷۷	۱۰۶۶۳۵۲	۳۶۴۴۶۹	۹۵۸۹۸۵	۱۳۷۰
۳۸۹۵۵۲	۱۱۸۴۰۹	۱۰۳۴۷۸	۲۲۹۲۰	۲۰۸۹۲۹	۳۳۶۱۵	۱۲۷۸۴۱۱	۴۵۲۲۷	۱۱۷۱۹۵۳	۱۳۷۱
۴۶۱۷۳۶	۱۲۹۳۵۰	۱۱۹۹۶۰	۲۸۹۰۸	۲۰۶۱۱۵	۳۱۱۰۹۷	۱۶۵۳۳۱۹	۴۶۱۴۷	۱۴۴۰۵۸۰	۱۳۷۲
۶۲۴۴۶۰	۲۰۰۱۸۸	۱۸۵۸۷۲	۴۲۰۸۴۱	۳۳۳۶۶	۴۲۴۶۰	۲۰۴۴۰۳۱	۵۹۰۳۳۵	۲۰۴۳۲۰۷	۱۳۷۳
۸۱۹۶۳۸	۳۰۱۳۳۴	۲۸۷۷۶۸	۶۳۵۱۶۲	۴۵۳۸۷۷	۵۷۷۴۶۶	۲۷۰۳۸۵۸	۸۶۹۹۸۵	۳۰۵۳۲۹	۱۳۷۴
۱۱۰۶۰۶۷۵	۳۹۱۶۰۲	۳۳۸۷۱۹	۷۲۴۸۳	۵۵۲۸۸۱	۷۰۴۶۴۳	۳۷۰۶۱۲۷	۱۲۳۵۸۶۴	۳۴۰۷۶۶۶	۱۳۷۵
۱۳۵۱۸۰۰۴	۱۷۲۴۴۴	۴۷۷۳۸۵	۱۵۶۷۸۵۱	۶۸۰۳۳۸	۸۵۳۳۵	۴۴۷۳۴۸۷	۱۴۹۱۱۴۱	۳۹۶۱۶۱۶	۱۳۷۶

منبع: محاسبه مرکز آمار ایران. سالنامه آماری سال‌های مختلف. تهران: مرکز آمار ایران. سال‌های مختلف.

جدول ۷: آمار مربوط به توزیع درآمد (هزینه‌های مصرفی)
در مناطق شهری (۱۳۷۶-۱۳۶۱)

ضریب جینی	سهام دهک‌ها										سال
	دهم	نهم	هشتم	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	
۰/۴۱۷	۳۱/۶	۱۷/۰۴	۱۲/۷۳	۱۰/۰۹	۸/۱۹	۶/۶۸	۵/۳۷	۴/۱۷	۲/۹۸	۱/۱۵	۱۳۶۱
۰/۴۳۴	۳۱/۱۹	۱۶/۷۸	۱۲/۷۲	۱۰/۱۵	۸/۳۲	۶/۸۳	۵/۵۲	۴/۲۱	۲/۹۳	۱/۳۵	۱۳۶۲
۰/۴۲۵	۳۰/۵۸	۱۶/۷۴	۱۲/۶۲	۱۰/۱۳	۸/۳۸	۶/۹۴	۵/۶۵	۴/۴۰	۳/۱۳	۱/۴۳	۱۳۶۳
۰/۴۲۴	۳۰/۵۸	۱۶/۷۳	۱۲/۶۲	۱۰/۲۱	۸/۳۴	۶/۸۹	۵/۶۱	۴/۳۸	۳/۱۳	۱/۵۱	۱۳۶۴
۰/۴۲۶	۳۱/۴۷	۱۶/۴۲	۱۲/۳۸	۹/۹۸	۸/۲۹	۶/۷۹	۵/۵۴	۴/۳۸	۳/۱۸	۱/۵۷	۱۳۶۵
۰/۴۳۶	۳۲/۵۴	۱۶/۳۶	۱۲/۱۵	۹/۷۷	۸/۰۶	۶/۷۵	۵/۴۱	۴/۲۵	۳/۰۹	۱/۶۲	۱۳۶۶
۰/۴۱۷	۳۰/۴۵	۱۶/۵۸	۱۲/۶۴	۱۰/۰۸	۸/۳۲	۶/۹۰	۵/۵۵	۴/۵۱	۳/۲۹	۱/۶۸	۱۳۶۷
۰/۴۱۸	۳۰/۶۶	۱۶/۳۲	۱۲/۵۰	۱۰/۱۷	۸/۴۲	۶/۹۷	۵/۶۷	۴/۴۷	۳/۲۲	۱/۶۰	۱۳۶۸
۰/۴۰۰	۲۹/۶۹	۱۵/۹۶	۱۲/۳۹	۱۰/۱۵	۸/۴۹	۷/۱۵	۵/۹۴	۴/۸۱	۳/۶۰	۱/۷۸	۱۳۶۹
۰/۴۳۵	۳۳/۶	۱۵/۲۳	۱۱/۷۹	۹/۵۶	۸/۰۱	۶/۶۹	۵/۵۷	۴/۵۰	۳/۳۳	۱/۶۹	۱۳۷۰
۰/۴۱۰	۳۰/۵۵	۱۶/۶۰	۱۲/۴۲	۱۰/۰۲	۸/۳۴	۶/۹۰	۵/۷۵	۴/۶۵	۳/۴۹	۱/۸۶	۱۳۷۱
۰/۳۹۲	۲۹/۴۵	۱۵/۸۳	۱۲/۳۴	۱۰/۱۳	۸/۵۲	۷/۱۶	۵/۹۹	۴/۸۸	۳/۶۹	۱/۹۷	۱۳۷۲
۰/۳۹۹	۳۱/۲	۱۵/۸	۱۲/۰	۹/۸	۸/۲	۷/۱	۵/۷۰	۴/۷	۳/۵	۲/۰	۱۳۷۳
۰/۴۰۷	۳۱/۵	۱۶/۰	۱۲/۲	۹/۹	۸/۲	۶/۸	۵/۶	۴/۴	۳/۴	۲/۰	۱۳۷۴
۰/۳۹۵	۳۰/۴۸	۱۵/۹۷	۱۲/۲۴	۹/۹۹	۸/۳۴	۶/۹۷	۵/۸۰	۴/۶۹	۳/۵۳	۱/۹۹	۱۳۷۵
۰/۳۸۸	۳۰/۳۷	۱۵/۶۸	۱۲/۰۵	۹/۸۵	۸/۳۴	۷/۰۷	۵/۹۴	۴/۸۶	۳/۷۲	۲/۱۲	۱۳۷۶

مأخذ: مرکز آمار ایران

نتایج حاصل از تخمینهای کامپیوتری

SYS-Iterative SUR // Dependent Variable is E1

SMPL range: 1361 - 1376

Number of observation: 16

System: UEQ1.SYS -Equation 1 of 3

E1=C(1)*P1+C(5)*(TE-C(1)*P1-C(2)*P2-C(3)*P3-C(4)*P4)

Convergence achieved after 63 iterations

	COEFFICIENT	STD. ERROR	T-STAT.	2-TAIL SIG.
C(1)	6228.9683	686.23615	9.0770041	0.0000
C(5)	0.2437512	0.0871962	2.7954348	0.0083
C(2)	2403.0023	1240.1310	1.9377004	0.0601
C(3)	5308.1939	889.32631	5.9687673	0.0000
C(4)	2244.4789	685.67873	3.2724136	0.0025

Unweighted Statistics

R-squared	0.978009	Mean of dependent var	1383382.1
S.D. of dependent var	1146863.	S.E. of regression	143847.3
Sum of squared resid	7.02E+11	Durbin-Watson stat	1.325028

SYS-Iterative SUR // Dependent Variable is E2

SMPL range: 1361 - 1376

Number of observation: 16

System: UEQ2.SYS -Equation 2 of 3

E2=C(2)*P2+C(6)*(TE-C(1)*P1-C(2)*P2-C(3)*P3-C(4)*P4)

Convergence achieved after 54 iterations

	COEFFICIENT	STD. ERROR	T-STAT.	2-TAIL SIG.
C(2)	2403.0023	1240.1310	1.9377004	0.0601
C(6)	0.0633519	0.0342732	1.7465135	0.0893
C(1)	6228.9683	686.23615	9.0770041	0.0000
C(3)	5308.1939	889.32631	5.9687673	0.0000
C(4)	2244.4789	685.67873	3.2724136	0.0025

Unweighted Statistics

R-squared	0.951657	Mean of dependent var	417557.6
S.D. of dependent var	411875.0	S.E. of regression	108899.4
Sum of squared resid	5.17E+10	Durbin-Watson stat	0.984251

SYS-Iterative SUR // Dependent Variable is E3

SMPL range: 1361 - 1376

Number of observation: 16

System: UEQ3.SYS -Equation 3 of 3

E3=C(3)*P3+C(7)*(TE-C(1)*P1-C(2)*P2-C(3)*P3-C(4)*P4)

Convergence achieved after 71 iterations

	COEFFICIENT	STD. ERROR	T-STAT.	2-TAIL SIG.
C(3)	5308.1939	889.32631	5.9687673	0.0000
C(7)	0.3247522	0.0870211	3.7318988	0.0007
C(1)	6228.9683	686.23615	9.0770041	0.0000
C(2)	2403.0023	1240.1310	1.9377004	0.0601
C(4)	2244.4789	685.67873	3.2724136	0.0025

Unweighted Statistics

R-squared	0.990449	Mean of dependent var	1304075.
S.D. of dependent var	1303205.	S.E. of regression	131728.0
Sum of squared resid	2.03E+11	Durbin-Watson stat	1.579264

منابع و مأخذ

- ۱- ابریشمی، حمید - مهر آرا، محسن. «مدل تقاضای مصرف کننده و تحلیلی بر تغییرات سبد مصرفی خانوارها». پژوهشنامه بازرگانی. شماره ۳ (تابستان ۱۳۷۴).
- ۲- پژوهشگران، جمشید. «فقر، کاهش فقر»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲ (خرداد ۱۳۷۵).
- ۳- سازمان برنامه و بودجه، «مجموعه مقالات گردهمایی مسأله فقر و فقر زدایی - جلد اول».
- ۴- سپه‌وند، مهرداد. «پیش‌بینی رفتار مصرفی خانوارهای شهری در ایران بر مبنای الگوی HLES» مجله روند، شماره ۲۲ و ۲۳ (پاییز و زمستان ۱۳۷۵).
- ۵- قره‌باغیان، مرتضی - پروین، سهیلا. «آثار توزیعی مالیات در ایران». مجله علمی پژوهشی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۵ (بهار ۱۳۷۵).
- 6- Bourguignon, Francois. (Optimal Poverty Reduction, Adjustment and Growth). The World Bank. Economic Review. Vol 5, No.2(1991).
- 7- Kim. S, Kwan. (Income Distribution and Poverty: An Interregional Comparison). World Development. Vol 25, No. 11 (1997).
- 8- Squire Lyn. (Introduction: Poverty and Adjustment in the 1980s). The World Bank Economic Review. Vol 5, No. 2 (1991).
- 9- Stewart, Frances. (Adjustment and Poverty). Routledge Publishing Company, London (1995).
- 10- Triest, K, Robert (Has Poverty Gotten Worse?). Jurnal Of Economic Perspectives. Vol 12, Number 1 (1998).
- 11- World Bank . (Targeted Programs For the poor Dwing Structural Adjustment) A summary Of a Symposium on Poverty and Adjustment, April 1988.